



تعهدات اصلی وکیل در برابر موکل*

(در حقوق ایران، مصر و انگلیس)

نرگس ایزدی

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده

با انعقاد عقد وکالت، وکیل و موکل در برابر یکدیگر حق و تکلیف یافته، دارای روابط حقوقی، وظایف و مسؤولیت‌های متقابلی می‌شوند. بدیهی است تحدید حدود قانونی این مسؤولیت‌ها، در پیشگیری از منازعات احتمالی طرفین عقد وکالت و در نتیجه کاهش حجم پرونده‌های محاکم قضایی مؤثر است. تعهدات وکیل در برابر موکل یا بطور مستقیم ناشی از عقد وکالت است، یا بطور غیر مستقیم؛ نیز ممکن است منشأ آن، توافق وکیل و موکل در قالب شروط و تعهدات ضمن عقد یا مستقل باشد که در هر حال، ایفاء تعهدات مزبور لازم است. تعهداتی که بطور مستقیم منبث از عقد وکالت‌اند، ناشی از ذات عقد مزبور بوده، صرف تحقق یافتن عقد، بدون نیاز به تصریح، موجب مسؤولیت وکیل می‌شوند. این دسته از تعهدات، در مقاله حاضر با عنوان «تعهدات اصلی وکیل در برابر موکل» مطرح خواهند شد. در مقابل تعهدات «ثانوی» یا «تبعی» وکیل. اطلاق واژه «ثانوی» یا «تبعی» بر این تعهدات بدین جهت است که به واسطه عدم انجام تعهدات اولیه (اصلی) پدید آمده‌اند؛ مانند تعهد وکیل به جبران خسارت وارده به موکل در فرض عدم رعایت مصلحت وی که یکی از تعهدات اصلی وکیل می‌باشد. (مسؤولیت وکیل در صورت عدم انجام تعهدات مذکور در مقاله‌ای مستقل بحث خواهد شد).

* کار ارزیابی این مقاله در پاییز ۸۲ به پایان رسید.



در این مقاله تلاش بر این است که به لحاظ اهمیت تبیین تعهدات اصلی وکیل در برابر موکل این موضوع از زوایای مختلف در حقوق ایران نقد و بررسی شده و تا حد امکان در حقوق برخی کشورها خصوصاً مصر و انگلیس مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

وکیل، ایفاء تعهد، تعهدات اصلی وکیل، مورد وکالت، لوازم و مقدمات وکالت

تحول نظامات اجتماعی، فزونی اشتغالات شخصی افراد و پیشرفت سریع و روز افزون اقتصادی - صنعتی جوامع بشری که منجر به پیچیده شدن ضوابط و مقررات حاکم بر روابط اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه گردیده، از جمله عواملی است که ضرورت حضور وکیل در جامعه را نمایان می‌سازد. به تعبیر زیبایی برخی حقوقدانان (شهبیدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶)، وظیفه وکیل «تنها دفاع از حقوق موکل خود نیست، بلکه مشارکت در اجرای عدالت کلی اجتماعی و تشویق جامعه به احترام به قانون و کمک به فراهم آمدن زمینه سلامت محیط و دور بودن آن از شرایط آلودگی‌های شیطانی و فرصت شکوفا ساختن توانایی‌های فکری نیز وظیفه بی‌چون و چرای اوست».

وکالت از جمله عقود معین است؛ بدین معنی که حصول آن، صرفاً منوط به تراضی و توافق طرفین عقد نیست؛ بلکه تحققش علاوه بر شرایط اساسی معاملات، نیازمند وجود عناصر و شرایط قانونی دیگری نیز می‌باشد. شرایط ایجاد، دوام و انقضاء وکالت، ویژگی‌ها و اقسام آن، شرایط وکیل و موکل و... مباحث قابل تأمل و مبسوطی است که با توکل بر «نعم الوکیل»، بطور مستقل بیان خواهد شد. آنچه در این مقاله بیان می‌گردد صرفاً تعهدات اصلی وکیل در برابر موکل با محوریت احکام مقرر قانون مدنی و قوانین داخلی دیگری چون قانون وکالت است.

طرح دعوی در محاکم قضایی مستلزم علم شاکی به کیفیت مطلوب طرق احقاق حق خویش و انطباق قانونی خواسته با عناوین حقوقی-جزایی مربوط می‌باشد؛ از آنجا که این امر بر همگان مقدور نیست، مشاوره، راهنمایی یا طرح و تعقیب دعاوی توسط وکیل نقش ویژه‌ای دارد (Smith, 1961, P.31). در موارد متعددی میان وکیل و موکل اختلافاتی



پدید می‌آید که ناشی از عدم شناخت کافی طرفین عقد از تعهدات اصلی وکیل در برابر موکل می‌باشد؛ بدین جهت شرح و بیان این تعهدات و تبیین حدود آنها لازم، بلکه ضروری است.

تعاریف

۱- تعهد

تعریف لغوی: تعهد در لغت به معنای «سرانجام کار کسی را به ذمه خود گرفتن و ضامنی کردن» (دهخدا، ذیل «تعهد»، ۱۳۴۳)، و نیز به معنای «پذیرفتن وصیت و شرط» است. (زرنخشتری، ۱۹۲۳ م، ج ۲، ص ۱۵).

تعریف اصطلاحی (حقوقی): از نظر حقوقی، تعهد دارای دو مفهوم «عام» و «خاص» می‌باشد.

تعهد به معنای عام عبارت است از: «هر چه که قانون یا اخلاق به انسان دستور می‌دهد تا آن را انجام دهد». بر حسب این تعریف، هرگونه مسؤولیتی اعم از این که الزام خود را از وجدان عمومی یا قانون بگیرد، تعهد شناخته شده است؛ اما در تعهد به معنای خاص، جنبه حقوقی تعهد، مد نظر است و الزام موجود در تعهد، به وسیله قدرت اجبار کننده قانونی اعمال می‌گردد. در این معنی تعهد، رابطه‌ای است حقوقی که نتیجه آن انتقال مال اعم از پول یا کالا یا انجام دادن فعل یا ترک فعل معین می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷، ص ۲۹۰۷).

۲- وکالت

معنای لغوی وکالت^۱ «تفویض» (خوری شرتونی، ۱۳۸۹ م، ج ۲، ص ۱۴۸۳). «واگذاری امری به دیگری» (وجدی، بی تا، ج ۱، ص ۸۱۰) نیابت و خلافت است. معنای اصطلاحی (حقوقی): ماده ۶۵۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «وکالت عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین طرف دیگر را برای امری نایب خود می‌نماید».



۳- موکل

همچنان که از مفهوم لغوی واژه موکل مستنبط است، در اصطلاح نیز «وکالت دهنده» را موکل^۱ گویند.

۴- وکیل

بر اساس ماده ۶۵۶ ق.م. «وکیل^۲ کسی است که از طرف دیگری به موجب عقد وکالت مأمور در انجام امری است» (جمفیری لنگرودی، ۱۳۶۱، ص ۷۵۵).
به تناسب اختیاری که موکل به وکیل می‌دهد و نوع و کیفیت وکالت، ممکن است عناوین خاصی به وکیل اطلاق گردد از جمله:

وکیل در توکیل - وکیلی است که از طرف موکل، حق اخذ وکیلی دیگر را برای

خود یا برای موکلش داشته باشد.

وکیل تسخیری - وکیلی است که بدون قرارداد با موکل از طرف مراجع قضایی

به وکالت برگزیده می‌شود. وفق تبصره ۱ ماده ۱۸۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در جرایمی که مجازات آن به حسب قانون، قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد می‌باشد، چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی ننماید، تعیین وکیل تسخیری برای او الزامی است؛ مگر در خصوص جرایم منافی عفت که متهم از حضور یا معرفی وکیل امتناع ورزد.

وکیل معاضدتی - ماده ۲۴ قانون وکالت مقرر می‌دارد: «کسانی که قدرت تأدیه حق

الوکاله ندارند می‌توانند از کانون تقاضای معاضدت نمایند مشروط به این که دعوی با

1- Principal

۲- الوکیل (Agent) هو شخص یعینه الموکل (Principal) لأداء مهمه بالنیابه عنه (س، ملکا، ۱۹۵۴،

ص ۲۲۵).



اساس و راجع به شخص تقاضا کننده باشد. طرز تقاضا و سایر شرایط لازمه برای معاضدت قضایی را وزارت عدلیه به موجب نظامنامه معین خواهد نمود».

اقسام تعهدات اصلی وکیل

در حقوق انگلیس، تعهدات و وظایف وکیل در برابر موکل به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - تعهدات ناشی از توافق وکیل و موکل.

ب - تعهدات ناشی از ماهیت امانی رابطه وکیل و موکل (Markesinis, 1979, P.75)

تعهدات ناشی از توافق وکیل و موکل (دسته اول) عبارتند از:
- ایفاء تعهد.

- پیروی و متابعت از قانون و مفاد وکالت نامه.

- رعایت مصلحت موکل و مهارت در ایفاء تعهد.

- تقدیم حساب دوران وکالت و استرداد اموال موکل.

تعهدات ناشی از ماهیت امانی رابطه وکیل و موکل (دسته دوم) مبتنی بر رعایت یک اصل کلی می‌باشد و آن «راستی و صداقت وکیل در برابر موکل» یا «عدم خیانت و سودجویی مادی وی از اموال موکل» است (Fridman et al, 1979, P. 125-138)

در حقوق ایران علاوه بر لزوم ایفاء تعهد وکیل به حسب شروط و تعهدات ضمن عقد وکالت، صرف تحقق وکالت نیز موجب مسؤولیت وکیل و الزام او به ایفاء تعهداتی در برابر موکل می‌گردد. مهم‌ترین تعهداتی که به واسطه ذات وکالت به ذمه وکیل قرار می‌گیرد (تعهدات اصلی) عبارتند از:

۱- تعهد وکیل به انجام مورد وکالت.

۲- تعهد وکیل به رعایت مصلحت موکل.

۳- تعهد وکیل به حفظ اسرار موکل.

۴- تعهد وکیل به تقدیم حساب دوران وکالت و استرداد اموال و اسناد موکل.



۱- تعهد وکیل به انجام مورد وکالت

این موضوع در دو قسمت: «انجام مورد وکالت طبق قرارداد» و «انجام لوازم و مقدمات مورد وکالت» بیان می‌شود:

الف - انجام مورد وکالت طبق قرارداد

هنگامی که بحث از تعهدات وکیل در برابر موکل می‌شود، انجام مورد وکالت نخستین و به عنوان اصلی‌ترین تعهد وکیل مطرح می‌گردد و بسیاری از موضوعات حقوقی مربوط را پوشش می‌دهد. بطور کلی می‌توان گفت که وکیل موظف است مورد وکالت را با رعایت حدود وکالت، انجام دهد و این حدود با توجه به کیفیت انشاء وکالت و اقسام آن، وفق ماده ۶۶۰ ق.م. که مقرر می‌دارد: «وکالت ممکن است بطور مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید و برای امر یا امور خاص»، مشخص می‌گردد.

در انگلیس وکیل ملزم است در راستای انجام مورد وکالت، آن را در کمال آگاهی و احتیاط‌های لازم انجام دهد؛ همچنان که برای انجام امور شخصی خویش چنین می‌کند (Markesinis, 1979, P. 74)؛ س.ملکا، ۱۹۵۴م.ش. ۱۳ و ۱۴؛ همچنین با توجه به این که وکالت ممکن است به صورت قراردادی یا غیر قراردادی محقق شده باشد، آثار متفاوتی دارد: در فرض «قراردادی بودن»، وکیل ملزم است کلیه اقداماتی را که تعهد نموده است به انجام رساند؛ اما هنگامی که وکالت «غیر قراردادی» است و بعنوان عقد غیر معوضی و تیرعی صورت گیرد، وی مسؤول انجام ندادن آنچه که مورد تعهد قرار گرفته است، نمی‌باشد (fridman. et. al, 1979, P. 125).

ب - انجام لوازم و مقدمات^۱ مورد وکالت

از جمله مباحث متفرع بر انجام مورد وکالت، مسأله لزوم پرداختن وکیل به لوازم و مقدمات عمل مورد وکالت است بدون نیاز به تصریح و اذن مستقل موکل. ماده ۶۷۱ قانون مدنی بصراحت مقرر می‌دارد: «وکالت در هر امر، مستلزم وکالت در لوازم و مقدمات آن نیز هست مگر این که تصریح به عدم وکالت باشد».

1- Preliminaries and essential preparations.



لوازم و مقدمات عقد وکالت بر دو قسم است:

لوازم و مقدمات ذاتی وکالت - لوازم ذاتی وکالت از عناصر متشکله و اجزاء

مقومه آن می‌باشند. این قسم از لوازم، لاینفک از عقد وکالت نبوده، زوال آنها به منزله زوال وکالت است؛ به همین دلیل نمی‌توان عدم این لوازم را در عقد وکالت شرط نمود؛ زیرا به استناد ماده ۲۳۳ قانون مدنی، شرط خلاف مقتضای ذات عقد موجب بطلان آن می‌گردد.

لوازم و مقدمات قانونی و عرفی وکالت - این قسم از لوازم همچنان که از

نام آنها پیداست، خارج از عناصر مقوم وکالت بوده، از متفرعات آن محسوب می‌شوند؛ اما انجام آنها، به حسب قانون یا عرف لازم است. آنچه در مقام بیان اقتضای اطلاق مصادیقی از وکالت، در مواد قانونی و دکترین حقوقی بیان شده است از این قبیل می‌باشد.

در حقوق انگلیس، وکیل نوعی سلطه و اختیار ضمنی نسبت به اقدام در هر زمینه‌ای که در جهت انجام مورد وکالت مطلوب باشد، دارد. همچنین در صورتی که انجام مورد وکالت مستلزم دخالت اهل خبره و کارشناسان متخصص باشد، وکیل ملزم است بر این اساس عمل نموده، کار را در حد مطلوب موکل انجام دهد (س.ملکا، ۱۹۵۴م، ش ۳۰).

در حقوق مدنی مصر نیز بر لزوم انجام مقدمات مورد وکالت تأکید شده است. بدین بیان که گاهی اجرای وکالت مستلزم قیام به اعمال مادی است، مانند جایی که موضوع وکالت «بیع» باشد. در این صورت، وکیل ملزم به ثبت عقد، رسمی نمودن آن و تصدیق امضاء و غیره که در این زمینه لازم است، می‌باشد و نیز جستجو نمودن مشتری مناسب در موردی که هنگام وکالت، فروش به مشتری معینی لحاظ نشده باشد. بنابراین وکیل با قبول وکالت، بطور ضمنی مکلف به اجرای لوازم و مقدمات مورد وکالت نیز می‌گردد؛ زیرا انجام وکالت، شامل انجام تمام اعمالی است که برای اجرای مورد وکالت لازم می‌باشد. ملاک تشخیص این امر پس از استنباط اراده متعاقدین، «ماهیت مورد وکالت» و «عرف» است (سنهوری، ۱۹۶۴م، ج ۷، ص ۴۴۶-۴۵۲).



۲- تعهد وکیل به رعایت مصلحت موکل

با توجه به مواد قانونی مربوط در قانون مدنی، قانون آیین دادرسی مدنی، قانون وکالت و آیین نامه‌های اجرایی آن و... وکیل ملزم است در راستای اجرای مورد وکالت، رعایت غبطه و مصلحت موکل را نموده، از حدود وکالت تجاوز ننماید. ماده ۶۶۷ قانون مدنی بصراحت مقرر می‌دارد: «وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصراحه به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست، تجاوز نکند».

ماده ۴۱ قانون وکالت، همسو با ماده ۶۶۶ ق.م.ا. و بند ۳ ماده ۸۲ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، بنوعی ضمانت اجرای عدم رعایت مصلحت موکل را مدنظر قرار داده، مقرر می‌دارد: «در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود از قبیل آن که وکیل با طرف موکل ساخته و بالتبجیه حق موکل را تضییع نماید به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می‌تواند خسارت وارده بر خود را از او مطالبه نماید».

ماده ۶۶۳ قانون مدنی حکم «عدم جواز خروج وکیل از حدود وکالت» را بیان نموده است. از طرفی وفق ماده ۶۶۷ قانون مدنی، وکیل ملزم است در کلیه اقدامات خویش، مصلحت موکل را رعایت کند؛ اما قانون مدنی ایران برخلاف قوانین مدنی برخی کشورها^۱، در بیان حکم موردی که رعایت مصلحت موکل مستلزم خروج از حدود وکالت باشد، یا تجاوز از حدود وکالت به لحاظ شرایط جدیدی که پیش آمده برای موکل سودمندتر از مواد معین شده قبلی در مفاد وکالت نامه باشد، ساکت است و از این جهت قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

۱- ماده ۶۶۶ قانون مدنی: «هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می‌گردد مسؤول خواهد بود».

۲- ق.م. مصر (ماده ۷۰۳)، ق.م. سوریه (ماده ۶۶۹)، ق. موجبات و عقود لبنان (مواد ۷۷۹ و ۷۸۷ و ۸۱۵) ق.م. عراق (ماده ۹۳۳).



بر اساس قانون مدنی مصر، التزام وکیل به حدود تعیین شده وکالت، به این معنی نیست که وی اجازه تعاقب به شروطی برتر از شروط ضمن عقد وکالت را نداشته باشد؛ بلکه چنانچه وکیل بتواند مورد وکالت را با رعایت مصلحت و منفعت موکل به نحو مطلوب‌تری انجام دهد، این عمل مانعی ندارد. بنابراین، در صورتی که وکیل در فروش کالایی بطور قسطی با مشتری توافق کند که بیع را نقدی بفروشد یا موعده پرداخت اقساط را زودتر از زمانی که موکل معین کرده قرار دهد، معامله صحیح بوده، منفعت حاصل به موکل برمی‌گردد. نیز چنانچه شخصی دیگری را در فروش منزلی یا خرید آن به مبلغ معینی وکیل گرداند، اما وکیل آن منزل را با قیمتی بالاتر فروخته یا با قیمتی کمتر خریداری نماید، معامله مزبور صحیح است و سود حاصل، عاید موکل می‌شود (سنه‌ری، ۱۹۷۴م. ج. ۷، ص. ۴۵۳ و ۴۵۲).

به حسب ماده ۷۸۰ قانون موجبات و عقود لبنان نیز چنانچه وکیل بتواند مورد وکالت را با شروطی بهتر و سودمندتر از آنچه در وکالت نامه آمده است انجام دهد، «ما به التفاوت» معامله به موکل عودت داده می‌شود.

اما در حقوق انگلیس، حکم «عدم جواز خروج وکیل از محدوده اختیاراتش» عام و کلی است و حتی گفته شده است که در این زمینه تفاوتی میان تجاوز وکیل از محدوده وکالت با حسن نیت (در جایی که به مصلحت و منفعت موکل است) یا با سوء نیت وجود ندارد (سن. ملکا، ۱۹۵۴م. ش. ۳۲).

۳- تعهد وکیل به حفظ اسرار موکل

ماده ۳۰ قانون وکالت مقرر می‌دارد: «وکیل باید اسراری را که به واسطه وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوطه به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید».

ماده ۸۱ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری در مقام بیان ضمانت اجرایی عدم رعایت تعهد مذکور، وکیل را که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشا نماید، قابل تعقیب و مشمول مجازات انتظامی دانسته است؛ اعم از



این که اسرار مزبور مربوط به امر وکالت باشد یا مربوط به شرافت و حیثیت و اعتبار موکل.

قابل ذکر است، اقامه دعوی علیه وکیل که اسرار موکل خویش را فاش ساخته است، صرفاً مستند به حکم قانونی مذکور نیست، بلکه به نوبه خود از جهات دیگری نیز قابل تعقیب مدنی و کیفری می‌باشد؛ همچنان که ماده ۸۹ آیین نامه ذکر شده بصراحت بیان می‌دارد: «تعقیب انتظامی. مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست».

بنابراین علاوه بر این که وکیل از لحاظ اخلاقی ملزم به حفظ اسرار موکل است. از لحاظ حقوقی نیز موظف به رعایت این امر بوده، در صورت تخلف، مجازات می‌شود.

۴- تعهد وکیل به تقدیم حساب دوران وکالت و استرداد اموال و اسناد

موکل

الف - تعهد وکیل به تقدیم حساب دوران وکالت

با عنایت به این که وکیل به نیابت از موکل خویش عمل می‌کند، کلیه اقدامات مائی و معاملاتی را که طی دوران وکالت خویش انجام می‌دهد، منتسب به موکل بوده به استناد نص ماده ۶۶۸ ق.م. پس از خاتمه این دوران موظف است با وی تصفیه حساب کرده، آنچه را که بعنوان جانشینی او دریافت کرده است، به وی مسترد نماید؛ البته روشن است که موکل می‌تواند در صورت تمایل وکیل را بطور کلی از دادن صورت حساب معاف کند. زمان حسابرسی و تصفیه حساب غالباً پس از پایان دوره وکالت یا انحلال آن است؛ لیکن در مواردی ممکن است به مقتضای طبیعت عمل مورد وکالت، موعدی قبل از آن متعارف باشد، که در این صورت مطابق «عرف» رفتار خواهد شد؛ مانند وکالت مطلق در اخذ مطالبات موکل، که وکیل به حسب اقتضای اطلاق وکالت، موظف است هر مبلغی را که از بدهکاران دریافت کرده، به موکل عودت دهد و حق ندارد مطالبات وصول شده را تا پایان دوره وکالت نزد خود نگاه‌دارد.

در حقوق انگلیس هم مانند ایران، وکیل باید صورت حساب مدت وکالت خود را به موکل تقدیم دارد. همچنین ملزم است اموال و پولهای موکل را از دیگر



حساب‌ها و اموال افراد دیگر و حتی از اموال و حساب‌های خود جدا نگه‌دارد
(Fridman, et. al, 1979, P.137).

از طرفی وکیل می‌تواند کلیه هزینه‌هایی را که در جهت انجام مورد وکالت صرف کرده، همچنین ضررهایی که در این زمینه متحمل شده است، از موکل مطالبه نماید (س.ملکا، ۱۹۵۴م.ش.۲۳).

در مصر بر اساس مقررات حاکم بر نظام حقوق خصوصی این کشور، وکیل پس از انجام مورد وکالت و تقدیم صورت حساب خویش به موکل و استرداد اموال، اسناد و اوراق بهادار وی، رسیدی مبنی بر ابراء ذمه خود (مفاصاً حساب) از موکل دریافت می‌دارد؛ که البته این رسید، دلیلی بر برائت دائمی وکیل نیست؛ بلکه چنانچه در آینده، فساد، خطا یا تقصیر وکیل محرز گردد، موضوع قابل تعقیب و رسیدگی خواهد بود. همچنین بر اساس قانون مدنی مصر (ماده ۷۰۵)، وکیل در موارد ذیل از تقدیم حساب به موکل، معاف می‌باشد:

اول - عدم لزوم تقدیم حساب به اقتضای طبیعت معامله

این امر در جایی است که مورد وکالت به نحوی باشد که تقدیم حساب در آن ممکن نباشد؛ مانند وکالت در ازدواج و طلاق.

دوم - عدم لزوم تقدیم حساب به اقتضای وجود قراین و اوضاع و احوال خاص

این امر غالباً به نوع رابطه‌ای که میان وکیل و موکل وجود دارد، برمی‌گردد؛ مانند موردی که وکیل به استخدام موکل در آمده باشد یا علقه زوجیت میان آنها وجود داشته باشد که به واسطه وثوق و اطمینانی که غالباً میان این افراد حاکم است، نیازی به تقدیم حساب وکیل به موکل نمی‌باشد (این حکم تا زمانی است که دلیلی بر عدم سازش آنها وجود نداشته باشد).

سوم - عدم لزوم تقدیم حساب به واسطه توافق قبلی وکیل و موکل



چهارم - عدم قدرت وکیل بر تقدیم حساب

در موردی که تقدیم حساب توسط وکیل، غیر ممکن باشد، حکم الزام بدان نیز مرتفع می‌شود؛ مانند موردی که مستندات و اوراق مربوط در دست شخصی غیر از وکیل باشد و بدین جهت تقدیم صورت حساب امکانپذیر نباشد (سنه‌وری، ۱۹۶۴م، ج ۷، ص ۴۹۳ - ۴۹۷).

ب - تعهد وکیل به استرداد اموال و اسناد موکل

وکیل پس از اجرای وکالت و تقدیم حساب به نحوی که گذشت، ملزم است کلیه اموال، اوراق بهادار و اسناد به امانت گذاشته شده موکل را به وی مسترد نماید. بطور کلی وکیل ملزم است آنچه را که از اموال موکل به عنوان امانت در دست دارد، هر زمانی که موکل مطالبه نماید، به وی تسلیم کند و چنانچه این امر را بدون عذر موجه به تأخیر اندازد، «ید امانی» او «ضمانی» خواهد شد؛ در نتیجه حتی بدون تفسیر نیز ضامن است.

قوانین مدنی مصر (ماده ۷۰۵، بند ۲)، لبنان (ماده ۷۸۹)، سوریه (ماده ۶۷۱) با متنی یکنواخت در زمینه مسأله مورد بحث بیان می‌دارد که وکیل ملزم است آنچه را که در اثر اجرای وکالت تحصیل کرده، به موکل برگرداند. بنابراین اگر وکیل، اشیاء یا کالاهایی را به نام موکل دریافت کرده باشد، باید عین آنها را به موکل تحویل دهد؛ مگر در صورتی که آن اموال مستهلک یا تلف شده باشد که در این حالت وکیل ملزم به پرداخت مثل یا قیمت آنها می‌باشد (این حکم با عبارات یکسان در قوانین مدنی عراق (ماده ۹۳۵) و لبنان (ماده ۷۹۰) نیز بیان شده است).

مطلب قابل توجه این که وظیفه وکیل به استرداد اموالی که به حساب موکل اخذ نموده است، ربطی به استحقاق یا عدم استحقاق موکل ندارد و وکیل نباید تحقیق کند که آیا موکل حق دریافت این اموال را دارد یا خیر؟ به همین دلیل، آنچه را که وکیل به حساب موکل از شخصی گرفته، در حالی که بیش از تعهد آن شخص بوده است، باید به موکل تحویل دهد و چنانچه مقدار زاید را برای خود بردارد، خائن در امانت محسوب می‌شود.



به حسب قانون مدنی مصر (ماده ۷۰۶) و عراق (ماده ۹۳۷) اولاً - وکیل نباید مال موکل را در جهت سود خود به کار اندازد. ثانیاً - وکیل باید سود مبالغی را که به نفع خود به کار انداخته، بطور کامل به موکل بدهد و نیز از زمان خاتمه وکالت، سود اموالی را که به حساب موکل در ذمه او می‌باشد، بپردازد.

همچنین اگر وکیلی قرار داد بیع، اجاره، قرض یا دریافت دیونی را به حساب موکل داشته باشد، لازم است آنها را به همان صورتی که دریافت نموده، به موکل تقدیم نماید و حق ندارد بعضی یا کل آن اوراق و اسناد را در گرو طلب گذشته خویش یا به ازای استیفای حقوق خود حبس و نگهداری کند.

بعلاوه بر اساس قانون مدنی مصر (ماده ۹۷۷) وکیل موظف است به محض اتمام یا انحلال وکالت، اسنادی را که نزد اوست به موکل مسترد نماید و به هیچ وجه مجاز به حبس و نگهداری آنها در قبال استیفای حقوقش نمی‌باشد (سنهوری، ۱۹۷۴م، ج ۷، ص ۴۹۳-۴۹۷).

در حقوق انگلیس، اگرچه وکیل منزه به حفظ و نگهداری اموال موکل می‌باشد و مکلف است آنها را در صورت درخواست وی به او یا به شخصی که از جانب موکل معرفی شده است، مسترد نماید؛ اما برخلاف حقوق مدنی مصر مجاز است مادام که کلیه هزینه‌های پرداختی، حق و حقوق و طلب خویش را از موکل دریافت نکرده است، از استرداد اموال وی امتناع ورزد (Fridman et al, 1979, P. 137). بعبارت واضح‌تر، وکیل در فرض مذکور، «حق حبس» اموال موکل را دارد (س. ملکا، ۱۹۵۴م، ش ۳۶).

در ایران به‌طور صریح و مستقل، حکم به لزوم استرداد اموال و اسناد موکل عندالمطالبه یا متعاقب انقضای وکالت نشده است؛ از طرفی حکم قانونی‌ای که دلالت بر جواز «حق حبس» وکیل نماید نیز وجود ندارد. بنابراین در موضع شک و تردید لازم است به اصول و قواعد مسلم حقوقی حاکم بر مسأله تمسک جست و با اجرای «اصل عدم وجود حق حبس»، کلیات احکام قانونی حاکم بر امین را مجری بدانیم؛ چرا که ماده ۶۳۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی مال غیر را به عنوانی غیر از مستودع متصرف باشد و مقررات این قانون او را نسبت به آن مال امین قرار داده باشد مثل مستودع است...»؛ لذا



همچنان که امین در فرض طلبکار بودن از مستودع، حق حبس اموال امانی او را ندارد، وکیل محق نیز همین حکم را دارد.

بنابراین در حقوق ایران، برخلاف رویه قضایی انگلیس و همسو با قانون مدنی مصر، حکم به «عدم وجود حق حبس وکیل» نموده، او را ملزم می‌دانیم که همچون امینی دلسوز، صرفاً حافظ اموال و اسناد موکل بوده، آنها را «عندالمطالبه» به وی مسترد نماید.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کتابنامه:

- ✓ امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۴
- ✓ بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، تهران، انتشارات کتابفروشی علمی، ۱۳۲۹
- ✓ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، تهران، بنیاد و استاد، ۱۳۵۷
- ✓ همو، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۶۸
- ✓ خوری شرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد، بیروت، مرسل سیوعیه، چاپ دوم، ۱۸۸۹م
- ✓ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، سیروس، ۱۳۴۳
- ✓ ذنوح، حسن علی، الحقوق العینیه (شرح القانون المدنی العراقی)، بغداد، نشر محدود، ۱۹۵۴م
- ✓ زمخشری، ابی القاسم محمود بن عمر، اساس البلاغه، قاهره، دارالکتب المصری، ۱۹۲۳م
- ✓ سن. ملکا، ادموند، شرح القانون الانجلیزی، مصر، شرکه مساهمه مصریه، ۱۹۵۴م
- ✓ السنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۹۶۴م
- ✓ شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تمهیدات، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷
- ✓ عدل، میرزا سید مصطفی خان (منصور السلطنه)، حقوق مدنی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۴۲
- ✓ عدی، ولید، کتاب الثالث القانون المدنی (سوریه)، بیروت، بی نا، ۱۹۷۹م
- ✓ الفتیحی زغلول، احمد، شرح القانون المدنی المصری، مصر، مطبعه الامیریه، ۱۹۱۳م
- ✓ کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (عقود معین)، تهران، انتشارات به نشر، ۱۳۶۴
- ✓ کامل، سامرائی، قانون المدنی العراقی، بغداد، مطبعه العاقی، ۱۹۵۱م



- ✓ الوجدی، محمد فرید، *دایره المعارف القرن العشرين*، بیروت. دارالفکر، بی تا
- ✓ Fridman G.H.L , Oxon B.C.L, Adelaide I.I. M, *The law of Agency*, london: Butter worths, 1979
- ✓ Gwinn, R.P., *The New Encyclopedia Britannica*, 1990, 15 th.ed .Ghicago: Encyclopedia Britannica, Inc
- ✓ Markesinis, B.S. , *An outline of the law of Agency*, 1979 london: Butterworths
- ✓ Smith, T., *Lawyer*, Newyork: Macmillan, 1961



پروژه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی